

روز نخست مهر، روز بازگشائی مدارس

روز نخست ماه مهر، هر ساله روز بازگشائی کلیه مراکز آموزشی اعم از دبستان، دبیرستان، دانشگاه میباشد.

روزیست که نوباوگان و جوانان ما با قلبی پر از عشق و شوق و با توان و نیروئی مملو از احساس شمع و شادی، روز آغازین کسب علم و دانش را جشن گرفته و با اشتیاق فراوان به استقبال چنین روزی، رهسپار مراکز آموزشی اعم از دبستان و دبیرستان و دانشگاه میگردند.

چنین روزی برای همه کودکان و نوجوانان و جوانان، روزی حاکی از امید و آرزو در راستای کسب آموزه های مفید و ارزشمند و آینده ساز برای آنان میباشد.

روز نخست ماه مهر، نمادی از روز مهر و عشق و محبت است که آموزگاران، نثار نوباوگانمان می نمایند. روزیست خاطره انگیز و بیاد داشتنی که همواره تا پایان زندگی در اندیشه های کودکان و نوجوانان و جوانان بصورت خاطره ای یا یادواره ای بسیار شیرین و دوست داشتنی و دل انگیز ثبت و ضبط میگردد.

روز نخست ماه مهر، روزیست با آغاز دوست یابیهای نو و بوی خوش اقایای آشنائی، روزیست که دنیای نوینی در برابر چشمان فرزندان ایران پا به عرصه ظهور گذاشته و هیچگاه از خاطره محو نمیگردد. چه زیباست روز نخست ماه مهر.

بیاد دارم که هر ساله نخست وزیر وقت آنزمان، زنگ شروع بازگشائی مدارس و مراکز آموزشی را در حیاط دبیرستانم به صدا در میآورد. روزی که نخست وزیر وقت با شاخه گل کوچکی از ارکیده آویخته بر لبه کت خود و با پیپی در گوشه لبان خود، زنگ دبیرستانم را که نمایندگی تمامی مدارس و مراکز آموزشی را داشت بصدا در میآورد و آنگاه سخنان شیوایی را همراه با مهر و محبت بر اذهانمان و قلبهایمان می نشاندد. چه زیبا بود آنروزها و صد افسوس که دیگر تکراری در آن نیست.

اما امروز، چنین روز پر ارزشی، چگونه آغاز میگردد؟ آیا باز هم همان روزگاران با چنان جلوه های زیبایی متبلور شده از شادیها و نشاط، همواره جایگاه ویژه خود را حفظ نموده یا شوربختانه چنین روز زیبایی، سالهاست که بدست فراموشی سپرده شده است و جامه زیبایی خود را به کدامین شب تاریک آویخته است؟

آیا فرزندان دیروز با آن خاطرات شیرین و دلنشین که امروزه نقش مادران و پدران را در درازای گذر زمان، زندگی خود را سپری مینمایند، شاهد آن شادیهها و نشاط در وجود فرزندان امروز خود میباشند؟

زمانی که رژیم ایران ساز و ایرانگرا، بیشترین تلاش و کوشش خود را در راستای ایجاد و گسترش امکانات آموزشی در تمامی زمینه ها و در تمامی سطوح تحصیلی برای فرزندان ایران مهیا ساخته بود و همواره با کوشش و تلاش بی نظیر خود، تا بدانجا پیشرفته بود که تغذیه رایگان را برای فرزندان ایران در کلیه مراکز آموزشی فراهم آورده بود و گذشته از آن، دانش آموزان از مزایای تحصیل رایگان برخوردار بودند.

آری، میدانیم که آموزش و پرورش، پر ارزشترین و ارزنده ترین سامانه فرهنگی و اجتماعی کشور در راستای توانمند نمودن اندیشه در زمینه های فرهنگی و کسب آگاهیها و دانش برای فرزندان ایران که آینده سازان کشور میباشند محسوب میگردد.

هر کشوری در جهت ایجاد تحول و پیشرفت و توسعه در زمینه های مختلف، اعم از فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تکنولوژیکی و... نیازمند منابع نیروی انسانی متخصص، فرهیخته و دانش آموخته میباشد که در این رابطه، آموزش و پرورش نقشی اساسی و کلیدی را در هر کشور و هر جامعه ای ایفا می نماید.

پایه ای ترین بنیانها و یا زیر بناهای سازندگی و آبادانی و پیشرفت هر کشوری مستلزم دارا بودن مکانیزمهای همچون

- آموزش و پرورش.
- رفاه و آسایش (مسکن - امنیت لازمه).
- بهداشت و درمان.
- مهیا بودن امکاناتی همچون کار و اشتغال.
- برابری حقوق یکسان برای همه اقشار جامعه.
- وجود آزادیهای فردی و اجتماعی در زمینه های اقتصادی و سیاسی.

همانگونه که در بالا مختصری به نقش آموزش و پرورش اشاره شد، تنها آموزش و پرورش است که قادر به فرهنگ سازی جامعه در تمامی ابعاد آن میباشد، حال چنانچه این رکن اساسی، دارای کاستیها گردد طبیعتاً "جامعه در دراز مدت، دچار آسیبهایی فراوان فرهنگی، اجتماعی خواهد گردید و همواره دست به گریبان معضلات، نا بسامانیها، سردرگمیها و در نهایت از هم پاشیدگی فرهنگی و اجتماعی در کل جامعه خواهد گردید.

امروزه روند سیستم آموزشی در ایران چگونه مدیریت میشود، آیا امروزه نیز همانند گذشته (زمان رژیم ایرانساز حکومت پهلوی) عمل مینمایند؟

یا بر اساس نوشته ها و گزارشات برخی از مسئولان آموزش و پرورش و نهادهای اجتماعی، سیستم آموزشی، آنچنان دچار از هم گسیختگی گردیده است که میزان کیفیت آموزش در سراسر ایران بطرز رقت باری افت نموده است، آنهم با کوهی از مشکلات، نارسائیهها، کاستیها و نواقص و اشکالات در تمامی زمینه های آموزشی از قبیل.

- عدم وجود مدارس و مراکز آموزشی در سراسر کشور و بویژه در مناطق محروم همچون، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر، لرستان و چهار محال بختیاری، خوزستان، کردستان و بسیاری از استانهای مختلف دیگر.
- عدم وجود نیروی انسانی آموزش دیده کافی با نام آموزگار، دبیر، استاد و مربیان و غیره.
- عدم وجود و یا کمبود وسایل کمک آموزشی در کلیه مدارس و مراکز آموزشی.
- عدم رایگان بودن تحصیل در مدارس و مراکز آموزشی.
- عدم دارا بودن امکاناتی همچون تغذیه رایگان برای نوباوگان، جوانان.
- عدم دارا بودن امکانات اولیه وسایل آموزشی از طرف والدین دانش آموزان بر اثر فقر مالی.

ایران، یکی از ثروتمند ترین کشورهای جهان محسوب میگردد، ولیکن ثروت ملی آن بدلیل عدم مسئولیت پذیری حکومتگران فعلی آن و بدلیل عدم باورمندی به ایرانگرایی و میهن دوستی و در نهایت ضدیت با ایرانیت و مهر میهن، ثروت ملی ایران، بجای سازندگی و آبادانی کشور و ایجاد رفاه، آسایش و امنیت جامعه، توسط عوامل رژیم موجود، بتاراج برده میشود و پس از غارتگریهای فراوان و بر باد دادن منافع ملی کشور، این ثروت ملی را صرف هزینه هائی همچون.

- ساختن هزاران مسجد در سراسر کشور بجای ساختن مدارس و مراکز آموزشی علمی.

• خرید سلاحهای نظامی و مصرف آن در ایجاد جنگ افروزی در منطقه، همچون عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و یمن و همچنین در برخی از کشورهای آفریقائی مینمایند.

- ساختن مساجد، بیمارستانها، مراکز آموزشی، شهر سازی، و آبادانی در کشورهای دیگری همچون لبنان، سوریه، عراق و فلسطین و ونزویلا، گواتمالا، کاستاریکا، پاناما و کلمبیا و همچنین پاره ای از کشورهای آفریقائی.

- به سرقت بردن ثروت ملی و سرمایه گذاری در بانکها و شرکتهای مالی و اقتصادی و صنعتی دیگر البته بحساب شخصی خودشان و یا فرزندان و بستگانشان.
 - تجارت، حمل و نقل و پخش مواد مخدر با نازلترین قیمت بین شهروندان ایرانی و مبتلا نمودن کودکان و نوجوانان و جوانان و میانسالان به اعتیاد خانمانسور مواد مخدر بین اقشار جامعه و نابود نمودن کانون خانواده ها.
 - ارائه آموزه های منفی و مخرب از طریق رسانه های گروهی مختلف و تخریب اخلاقیات در سطح کل جامعه و ایجاد اضمحلال اخلاقی در همه ابعاد و زمینه ها مختلف.
 - رواج تبهکاریها و فساد در زمینه های مختلف در جامعه.
 - ترویج و رواج موهومات، خرافه پردازیها، توهمات و به انقیاد درآوردن مردم، تحت قیومیت خود.
 - و بسیاری از نابکاریهای غیر انسانی و غیر اخلاقی دیگر.
- کو آن وجدان و شرط مسئولیت پذیریها، کو آن عمل درشعار های فریب دهنده منادیان باصطلاح حق بر باطل که به سلاح فریب و حيله و نیرنگ، آنچه را که در خور شان انسانی هر فرد ایرانی بود از آنان بزور جور و ستم، کشتار، تجاوز، به اسارت در آوردنها، سرقت و فریب ستانیدند.
- آیا به جز ایجاد و گسترش اضمحلال اخلاقی، فساد، خرافه پردازیها، فریبکاریها و بسیاری از رفتارهای غیر انسانی دیگری که همچون بیماری اپیدمی به روح و روان و اندیشه ایرانیان وارد آوردند، ره آورد دیگری نصیب هم میهنان گشته است.
- بهر روی فرزندان ایران، امروزه بدلیل وجود چنین رژیم مذهبی و با قوانین شرعیش، از هرگونه امکانات آموزشی به انحای مختلف در سراسر ایران محروم گشته اند، این نکته به مفهوم هرچه بیشتر ویران نمودن ایران و به قهقرا رساندن افکار و اندیشه های شهروندان و سوق دادن فرزندان ایران بسوی واپسگرایی میباشد، فرزندان ایرانی که آینده سازان این مرز و بوم میباشند.
- بنگرید به محتوای دروسی که در مدارس و حتی دانشگاهها به کودکان و نوجوانان و جوانان می آموزانند، خالی از هرگونه محتوای علمی، عقلانی و خردورزی میباشد و شوربختانه اذهان و اندیشه جوانان ما را به نا کجا آباهای ابتذال و انحراف و ما قبل قرون وسطائی سوق میدهند.
- این است ماهیت وجودی سیستمی که در راستای نابودی ایران و به فلاکت رساندن شهروندان ایران کوششی مذبحخانه مینماید.

این چنین است وضعیت سیستم آموزشی امروز در ایران.

داریوش (حسن) درشتی

بتاریخ 15. سپتامبر 2019